
مرآت الجمال

تصنيف

ادريس بن حسام الدين على بدليسي

(٨٥٦-٩٢٦ ق)

نسخه روزداز دستنويس شماره ٢٦١/٣٨

کتابخانه رف حکمت (مدینه)

ب. حرّ ولف

پژوهش

دکتر علیرضا قوجهزاده

(عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشرا)



نشر تمثال

تهران - ۱۳۹۵

- عنوان و نام پدیدآور : مرآت الجمال / تصنیف: دریس بن - امام الدین علی بدلیسی؛ پژوهش علیرضا قوجه‌زاده.
- مشخصات نشر : تهران: تمثال، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : نوزده، ۲۸۷ ص. : مصور (بخشی رنگی)
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۰۱-۰-۸
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
- یادداشت : کتاب‌نامه: ص، ۲۸۱ - ۲۸۷.
- یادداشت : نمایه.
- موضوع : عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
- موضوع : Mysticism - Early works to 20th Century
- شناسه افزوده : قوجه‌زاده، علیرضا، ۱۳۴۳ - ، محقق
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۵ م ۴ ب / BP ۲۸۶
- رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۸۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۱۲۹۹۷



نشر تمثال

مرآت الجمال

تصنيف: ادریس بن حسام الدین علی بدلیسی

(۸۵۶ - ۹۲۶ ق)

نسخه: سردان، نویس شماره ۲۶۱/۳۸ کتابخانه عارف حکمت (مدینه)

به خط مؤلف

پژوهه دکتر علیرضا قوجهزاده

(عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا)

صفحه‌آرایی و آماده‌سازی تصویر: محمود خانی

شماره انتشار:

چاپ اول: ۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بهاء رنگی: ۸۵۰۰۰۰ ریال

بهاء سیاه و سفید: ۴۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۰۱-۰-۸

انتشارات و توزیع:

خیابان آزادی، جمال‌زاده جنوبی، شماره ۱۶۴، طبقه ۲، واحد ۴

تلفن: ۶۶۹۲۹۵۵

temsal.nashr@gmail.com

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	هفت
شرح احوال ادريس بدليسى	هفت
معرفى كتاب مرآت الجمال	ده
معرفى نسخه مرآت الجمال	چهارده
سپاسگزاري	نوزده

متن مرآت الجمال

[مقدمه]

آغاز ترتيب رساله و ذكر باعث بر تنسيق اين مقاله رضوان افسانه و سبب تغيير مطالب	هفت
تعبير و قانون حكايات و روايات عاشقانه	۲۸
مقدمه در تناظر مهر و ماه و مبادى داستان عشق از لسان اهل الله	۴۳
آغاز حكايت در مناظره مهر و ماه و مقدمه روايت سالكان دل آگاه در سير فى الله	۵۶
داستان توجه سلطان مهر به ديار يمن و آهنگ ترتيب گوهر حسن در معدن عدن	۷۶
داستان سيران مواكب سلطاني و حلول در نه ايوان جهانبناني و گيتى ستانى	۸۸
داستان وصول سلطان با موكب كواكب نشان به ديار شاه طبيعت و چهاراركان	۱۱۴

داستان فرمانبرداری حکیم در بندگی سلطان کامکار و مناظره علمی با رقیبان جفاکار.....	۱۴۴
داستان مناظرات حکیم دانادل و امیر شوخ چشم در مجلس آرایی در صحبت شاهزاده ماهر خسار به	
دانایی و بینایی.....	۱۶۵
داستان مناظره امیر شوخ چشم با حکیم دانادل به مقابله و انجام محاكاة طرفین به ترتیب اسباب مقاتله	
.....	۱۹۱
ذکر کیفیت حرب صفین مانند صفین و هیأت مقابله و مقاتله طرفین.....	۲۰۲
خاتمت مقال و انجام و مآل آمال در ذکر تفویض خلافت و جلال و وفای وعده اقبال سلطان مهر	
کامکار درباره شهزاده ماهر خسار.....	۲۱۷
نمایه ها.....	۲۲۳
۱. آیات.....	۲۲۵
۲. احادیث، روایات و اقوال بزرگان.....	۲۳۱
۳. اعلام.....	۲۳۵
۴. اشعار فارسی.....	۲۴۱
۵. اشعار عربی.....	۲۶۹
۶. ضرب الامثال و عبارات عربی.....	۲۷۹
کتابنامه.....	۲۸۱

مقدمه مصحح

شرح احوال ادریس بدلیسی^۱

حکیم‌الدین، جمال‌الدین ادریس بن مولانا حسام‌الدین علی بدلیسی حنفی، منشی، مورخ، شاعر، خطا، دولتمرد ایرانی تبار دوره عثمانی است. وی در شهر بدلیس (ترکیه امروزی) رپدی موفی مسلک و عالمی برجسته به دنیا آمد که نسبت طریقت از سلسله شیخ عمار با رپدی می داشت. از دوران نخستین زندگی بدلیسی اطلاعی در دست نیست، ولیکن همین قدر معلوم است که در اوان جوانی با سمت

۱. درباره وی، ر.ک: الشقایق النعمانیة فی علماء الدیة العثمانیة، ص ۲۷۷؛ ابضاح المکنون، ج ۱، ص ۴۱۵؛ کشف الظنون، ج ۱، صص ۲۱۷-۲۱۸، ج ۲، صص ۱۰۵، ۱۹۲، ۶۵۶؛ پارسی نویسان آسیای صغیر، ص ۲۱؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۱۹۶، ج ۲، ص ۴۰؛ مجسم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۱۷؛ شاعران کرد پارسی گوی، ص ۴۰؛ مجمع التاریخ التراث الاسلامی و سبکات العالم، ص ۶۲۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵، بخش ۳، صص ۱۶۰۳-۱۶۰۵؛ تاریخ امپراطور عثمانی، ج ۱، ص ۷۱۴، ج ۲، صص ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۷۵، ۸۷۷، ۹۲۱، ۹۲۲، ۸۷۴؛ تاریخ الحبر و در ایران، ج ۱، صص ۱۶۹، ۲۵۳، ۲۵۴؛ قانون شاهنشاهی (میراث مکتوب)؛ تاریخ مشاهیر اردبیل، ج ۱، ص ۱۴۰؛ عثمانلی مؤلفلری، ج ۳، صص ۶-۸؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، صص ۷۳-۷۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۲۳۷؛ زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ص ۱۷۶؛ شرحنامه تاریخ مفصل کردستان، صص ۴۱۵، ۴۱۶؛ دانشنامه ادب فارسی در آناتولی و بالکان، ج ۶، صص ۷۸، ۷۵، ۷۷۸؛ الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۶۹؛ عرفان و ادب در عصر صفوی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، صص ۲۵۷-۲۶۲؛ کاشف الاسرار و مطلع الانوار؛ تاریخ نگاری و مورخان عثمانی، صص ۱۳۶-۱۳۸، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۷۷، ۲۷۹؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، صص ۵۳۰-۵۳۲؛ نشریه معارف، دوره بیستم؛ ش ۲، مرداد - آبان ۱۳۸۲، صص ۱۳-۳۹؛ نامه فرهنگستان، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۵۲-۱۶۶؛ کتاب ماه و جغرافیا، شماره ۳۷-۳۸، آذر ۱۳۷۹، صص ۳۷-۳۹.

منشی‌گری و سپس نشانچی (مهردار) در خدمت سلطان یعقوب آق‌قویونلو (حک: ۸۸۳-۸۹۶ ق) درآمد و مدتی در تبریز به سر برده و به واسطه همین شغل، با بزرگان زمان خود، همچون قاضی سیف‌الدین ساوجبلاغی، شیخ نجم‌الدین مسعود، ملا شهیدی و قاضی عیسی ساوجی (فوت: ۸۹۶ ق) آشنایی یافته است.

ادریس در سال ۸۹۰ ق با نوشتن نامه‌ی تهنیت‌آمیز از جانب سلطان یعقوب آق‌قویونلو به بایزید دوم عثمانی (حک: ۸۸۶-۹۱۸ ق) و بواسطه داشتن انشای استوار و خط خوش، مورد توجه سلطان عثمانی قرار می‌گیرد، چنان که گویا بعد از آن، سلطان بایزید دوم، بدلیسی را نهانی به استانبول دعوت کرد تا به دربار او پیوندد.

اوضاع نابینان آق‌قویونلوها و در ادامه آن، انقراض این دولت به دست شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷-۹۳۰ ق) و سخت‌گیری‌های مذهبی وی، باعث شد که ادریس راهی استانبول شود و در دربار بایزید دوم مورد استقبال قرار گیرد و در خدمت آن سلطان و بعد از وی در حمایت سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ ق) به مقام و مراتب علمی و درجات نظامی نایل شد.

بایزید دوم، او را به مقام وقایع‌نگاری خود منصوب کرد و از وی درخواست کتابی به زبان فارسی درباره تاریخ آل عثمانی را آغاز کرد تا ارمان تألیف به نگارش درآورد. بنابراین، کتاب گرانسنگ هشت بهشت را که در آن گریه‌ها، شرح و زندگی و سلطنت هشت تن از سلاطین عثمانی بود، نوشت.

این اثر به نشر مصنوع و متکلفانه و به پیروی از تاریخ حبیب‌الله گشای جوینی، تجزیه‌الامصار و ترجمه‌ی الاعصار و صاف، مواهب الهی معین‌الدین یزدی و ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی رقم خورده است.

بدلیسی در چندجا از این کتاب، با نام الصفات الثانیة فی ذکر القیاصرة العثمانیة یاد کرده است. ترجمه ترکی این کتاب در سال ۲۰۰۸ م در شهر آنکارا در دو جلد به چاپ رسیده است.

ادریس مدتی را در مصر و در شهر مکه رحل اقامت افکند و پس از درگذشت

سلطان بایزید دوم و با جلوس سلطان سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ق) و به درخواست وی در سال ۹۱۸ ق. به استانبول بازگشت و به جهت آشنایی و مهارت در علوم و فنون نظامی، در لشکرکشی‌های سلطان سلیم اول به ایران و مصر، او را همراهی کرد و در پیروزی‌های سلطان سلیم اول، نقش مهمی ایفا کرد و مأمور شد تا تاریخ زندگی و سلطنت سلطان سلیم را بنویسد و آن را به کتاب هشت بهشت ضمیمه کند، اما مرگ بدلیسی در ذی حجه سال ۹۲۶ق در استانبول، این اثر را ناتمام گذاشت و بعدها پسرش ابوالفضل محمد دفتری (۹۸۷ق)، متخلص به فضلی، آن را مرتب کرد و ذیلی بر هشت بهشت، نام سلیم نامه نوشت.

ادریس، علاوه بر آشنایی در امور دولتی و فنون نظامی، در علوم قرآنی و حکمت الهی و تاریخ‌نگاری و شعر، از افراد شناخته شده زمان خود بوده و اشعاری به سه زبان ترکی و عربی و فارسی سروده است. در اشعارش «ادریس» تخلص می کرده است.

پیکر ادریس در شهر استانبول در در حلقه ایوب سلطان و در مسجد شریف، که زنش زینب خاتون آن را بنا کرده بود، به خاک سپرده شده است. عناوین آثار دیگر ادریس، عبارت است از:

شرح فصوص الحکم ابن عربی؛ شرح گلشن راز شبستری؛ به فارسی؛ شرح خمیره ابن فارض، حاشیه بر انوار التنزیل بیضاوی؛ خواص الحیوان (ترجمه حیات الحیوان) کمال الدین محمد بن موسی دمیری به فارسی در مصر و تقدیم از به سلطان سلیم اول؛ رساله بحریه/ ربیع الابوابه فارسی به نام یعقوب آق قویونلو؛ الرسالة الخزائیه؛ گردآوری دیوان قاضی عیسی ساوجی و شیخ نجم الدین مسعود (به کمال امینه محلاتی، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰)؛ سلیم نامه، منشآت (شامل چند نامه کوتاه)، شرح اسرار الصوم من شرح اسرار العبادات، مدارج الاعتقادنامه (ترجمه مناهج العباد الی المعاد سعیدالدین فرغانی)، حق المبین فی شرح حق الیقین (شرحی به فارسی بر حق الیقین شیخ محمود شبستری) در تصوف

و وحدت وجود و تقدیم آن به سلیم اول عثمانی؛ قانون شاهنشاهی (تصحیح عبدالله مسعودی آرانی، میراث مکتوب، ۱۳۸۷)؛ مناظره الصوم و العید / مناظره روزه و عید به نظم و نثر فارسی (تصحیح نصرالله پورجوادی، معارف، دوره ۲۰، ش ۲، مرداد - آبان ۱۳۸۲، و تکمله مهدی رحیم‌پور بر تصحیح آن، نامه فرهنگستان دوره ۱۴، ش ۴، تابستان ۱۳۹۴)؛ رساله در اباحه اغانی؛ ترجمه و تفسیر حدیث اربعین / چهل حدیث؛ رساله‌الالباء عن مواقع الوباء درباره طاعون و جواز فراز آن، تاریخ عالم آرای؛ رساله فی النفس؛ اصطلاحات الفقرا / اصطلاحات الصوفیه؛ مرآت عشاق (اصطلاحات عرفانی، تصحیح مرضیه سلیمانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸)، تکمله دکتر حیدرقلی زاده و بهروز ایمانی بر آن با عنوان «شناخت مؤلف مرآت عشاق»، آینه میراث، شماره ۵۸، ۱۳۹۵، صص ۱۱-۳۰؛ دیوان فارسی و مرآت الجمال به فارسی - همچنین بعضی از فهرست‌نگاران شرحی بر مثنوی معنوی مولانا را به ادیس نسبت داده‌اند. که نگارنده با تصحیح این شرح با عنوان کاشف الاسرار و مطلع الانوار از حسن ایمی چلبی در نشر بین الملل، ۱۳۸۹، عدم انتساب آن بر ادیس را در مقدمه کتاب اثبات کرده است.

معرفی کتاب مرآت الجمال

مرآت الجمال، کتابی است به فارسی در عرفان و در کتاب مناظره مهر و ماه، که ادیس بدلیسی، نخست آن را به سال ۹۰۷ ق برای سلطان بایزید (۸۸۶-۹۱۸ ق) نوشت، و سپس با درگذشت آن سلطان، این اثر را با تحریرهای دیگری به سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ ق) تقدیم نمود.

ادیس با بهانه قرار دادن مناظره عاشقانه مهر و ماه، به آفرینش عالم هستی و تجلی نور الهی و تعبیه سلطان عشق در ذرات آفریده‌های باری تعالی، بویژه در وجود

«جمال سرمدی و چهره بدرمثال حقیقت محمدی^۱» اشاره می کند، چنان که خود در این کتاب گفته که: «مبنی اصطلاحات این رساله و اصول عنوان این مقاله، بشارتی است از حکایت ظهور سلطان مهر، اعنی طلوع طلایع عشق عالم افروز و اشارتی است به مبدأ اول از لمعات پرتو وجود محبت اندوز، و کنایتی از روایات تعلق محبت نهانی و تعشق حضرت سلطانی با حسن جهان مدار حضرت منظور ماه رخسار، اعنی مظهر جمال سرمدی و چهره بدرمثال حقیقت محمدی^۲».

و در لباس کنایه و ایهام، ضمن توجه به سلطان عثمانی، سیاق این کتاب را تمثیلی «از داستان خلافت آن سلطان خلفای آفاق^۳» و انشای آن را «وسیله تخیلی در مناقب آن امام سلاطین دین به حق و استحقاق^۴» می داند، به طوری که در بخش «آغاز ترتیب رساله ...» اشاره می کند: «قلم به دست در عالم تفکرات عالمانه خویش مشغول بودم که به زبان خامه نامه دار، بسامی از عالم روحانی بر من وارد شد و «این بنده منکسرالبال و ذره حقیر آریاب کمال» مترصد فیض عالم قدسی، ادریس بن حسام الدین بدلیسی ... در عین برار برار ترار گرفته است ... لیکن داعیه ادای رسالتی از زبان ارباب وجد و حال و عزیمت اقباء حکمتی از سرگذشت اهل معرفت و کمال دارد و به مقتضای اشارت غیبیه و بشارت لایبیه «لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الباب» در خاطرش خطوط و در ضمیرش حنور آرده که روایتی چند از آثار و اخبار ظهور سلطان عشق کامکار و استقرار سریر خلافت در امدل بقاع و امصار به ادا رساند و نکته ای چند ارجمند از حکمت و مصلحت نهضت به همنشاه وجود با حشمت مواکب و جنود، در مجالی ممالک شهود به عنوان شاهان و ذرات مشهود به افصح عبارتی و اوضح اشارتی مودّی گرداند^۵». و با وجود موانع و مشکلات در

۱. متن نسخه، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۲۹.

تألیف این اثر که همان «عقل مصلحت‌آیین» و «نصایح هوشمندان» و «سرزنش دشمنان»، بودند، کار خود را پیش می‌برد تا آنجا که وی با پیش کشیدن سیر و سلوک عارفانه و شب‌زنده داری خویش، به واقعه‌ای اشاره می‌کند که پایه و اساس داستان این کتاب در خوابی سحرگاهی پی‌ریزی می‌شود. او بیان می‌کند که در طول شب‌زنده‌داری و سیر عارفانه خویش، خواب سحرگاهی وی را در می‌رباید و در خواب می‌بیند که در «انجمن قدس پناه جمیع اهل الله از انبیا و اولیا و ملاذ خواص عبادالله از علما و حکما شده، هر کدام از این جمع کرام به اندازه اوانی و افهام خود، استفهام و استعلام امری از هر مرتبه و هر مقام می‌نمودند و هریک را به مقدار قابلیت و استعداد خود، از وادی این فناء به سم نجات آن پیر و مقتدای کمل و هادی طریق اجمل، اقتباس نوری باهر و اقتناض سروری ظاهر وافر می‌فرمودند^۱» و در آنجاست که آن پیر «صدرنشین مسند آگاهی^۲» ادریس بدلیسی را «مشمول الطاف و التفات و محمول احداق عنایات خود فرمود^۳» و «حکایت غریب افسانه دلفریب درین بزم خاص و مجمع اهل اختصاص آغاز فرموده...^۴ و سخاووی، سوالات حضار مجلس شده و «هر کسی را که از مشکلات فن عشق و مفصلات معضلات شیوه شوق، گرهی چون طره خم درخم و زلف آشفته درهم خوبان که در دل حک شده بود، به مشاطگی تعبیرات دلگشا، گشاد می‌داد و روایتی چند محققانه در سبک افسانه و کنایتی حکیمانه در اشارات عارفانه، افشا و انشا می‌فرمود^۵».

ادریس بدلیسی در این کتاب، از زبان آن پیر مسندنشین، ر خواب رؤیایی خود، به بیان این مقولات پرداخته است: داستان دلباختگی روحانی و در عین حال عرفانی سلطان مهر بر شاهزاده یمین؛ یعنی بر ماه رخسار و نقش آفرینی‌های خدام مقرب

۱. متن نسخه، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۵۵.

۵. همان، ص ۵۶.

خود، مهین هوشیار و توصیف همسر او مهین یانو و ذکر خلقت آنها و اولادشان از عوالم روحانی و تجردات و سیر در افلاک نه گانه و حاکمیت بر تمامی عالم هستی از جمله بر بحار سبوع و اشاره به تأثیر ستارگان به قول قدما در آفرینش مخلوقات و ازدواج آبای علوی و امهات اربعه و به وجود آمدن موالید ثلاثه با توصیفات روایی و سیر در عوالم حسی و جسمی در قالب شخصیت پردازی های داستانی با استشهاد به آیات قرآنی و استناد به احادیث نبوی و اشعار تازی و پارسی و سخنان حکمت آمیز و ضرب الامثال با مهارتی خاص همراه با قرینه سازی های هنرمندانه و سجع ها و موازنه های دلنشان و دیگر آرایه های لفظی و معنوی به نثری مصنوع و متكلفانه.

خود در این باره می گوید:

اما جزو تزیین باد لسان قابل و تفریح ضمائر هوشمندان مقبل، مراتب
مواکب سلطان عشق را از ابتدای ظهور رایات اقبال و مناقب شاهنشاه مهر
عالمتاب را در مقام جمال به ترجمان «لسان الحال انطق من
لسان المقال» در مجرای اهل وجدان و کمال استفصال می رود و گاهی در
تخیلات دقیقه شعری و در تعبیرات دلیلی و نثری و شری، درد دل عاشقی
و شیوه خودکامی معشوقی را در متن می بینیم. محرابان بیگانه به کنایتی در
سلک حکایت و افسانه، گوش گذار سرده این روزگاری نماید.^۱

در هر حال، او خود تأکید دارد که این «نویار» باغ همگ و این باکوره بوستان تدبیر
که بر خوان مهمانی ارباب حقایق و معانی نهاده شده^۲ دارای مفاهیمی ظاهری و
باطنی است و به منزله بادامی است با پوست و مغزی که از «شرمی تا به لب لباب آن
توبرتوست»^۳ و نام آن را مرآت الجمال می نهد:

بر لوح دلم نقش زده کلک خیال از رسم خط و خان نگار، مثال
در صحبت اهل شوق و ارباب کمال این مجمعه شد نام به مرآت جمال^۴

۱. متن نسخه، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۳۵.

۴. همان، ص ۱.

در رباعی دیگر می گوید:

افسانه فن عاشقی راز جنون
مرآت کمال اهل فقرست ولیک
در تعریف آن پیر نورانی نیز می سراید:
سراج خانقاه ترک و تجرید
درویش کون اشیا را کماهی
چو مرآت جمالش پر صفا بود
«مرآت جمال» گفتم اما به فسون
شد آینه جمال شاهی اکنون^۱
امین بازگاه علم توحید
محقق کرده از علم الاهی
درو مقصود جانم روی بنمود^۲

معرفی نسخه مرآت الجمال

از این نسخه، نخستین سه نسخه ارزشمند، شناسایی شده است:

۱. دستنویس خود ادریس ایلچی که به خط نستعلیق در ۲۲۰ برگ کتابت شده و به شماره ۲۶۱/۳۸ در کتابخانه حارف حکمت (مدینه - مکتبه عبدالعزیز) محفوظ است. آن چنان که از ترقیمه این نسخه می آید، ادریس بدلیسی، نسخه مرآت الجمال را نخستین بار به سال ۹۰۷ ق. و در دهان جوانی خود به سلطان بایزیدخان (۸۸۶-۹۱۸ ق) تقدیم داشته است:

توفیق تلفیق وتالیف این رساله مرآت الجمال و آمو تمیق این صحیفه
فصیحه مقال، از مسوده شبستان خیال، در سنه سبع و سبعین بعمره به رسم
هدیه مجلس منیع سلطان سلاطین مجاهدان، سلطان بایزیدخان -
روح الله روحه - در بدایت شروع به دیارفرخنده رسوم روم بدو^۳

سپس با توجه به نسخه دیگر از دستنویس ادریس - که در ادامه به معرفی آن پرداخته خواهد شد - تحریر دوباره ای از آن عرضه کرده که متأسفانه این بازنوشت،

۱. متن نسخه، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۵۳.

۳. همان، ص ۲۲۱.

فاقد تاریخ کتابت است و معلوم نیست که آیا آن تحریر در زمان حیات سلطان بایزید دوم بوده است یا نه؟ نوشته‌اند که این اثر در روزگاری که بایزید دوم زنده بود، به پایان رسیده است (۹۰۹ق)^۱. اما در آخرین برگ نسخه عارف حکمت، اشاره کرده که در این سنّ کهولت و «در اوقات ضعف و قوای جسمانی» تحریری نهایی از این نسخه را انجام داده و به سال ۹۲۵ ق به سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ ق) تقدیم نموده است:

... چون اقدام تیزگام اقلام در آن ایام، هنوز از بقاء بقایای قوت جوانی در مضمحل چابکی تحریر ارقام، قصب سبق از اقران می‌ریود و چند جزو از اوراق وایله آن رساله به قلم خفی، از آن گاه تا به تاریخ سنه خمس و عشرين و تسعمائة از منقول ناتمام مانده بود، در اوقات ضعف قوای جسمانی و تحریر از حالت گذشته جوانی که انامل خطنگار را از مرور خلاصه روزگار، در ساعات عصای کلک‌نزار و بی‌دستگیری و استظهار قلم معانی بار، قوت حرارت رفتار بر راه هموار سطور کتب و اسفار نمانده بود، اما به اعتماد مداد جوانی بخت کامکار و برنایی و شباب دولت عالم‌مدار خداوندگار شاهان روزگار، فاتح اقلیم و امصار، سکندر شعار سلیمان اقتدار، پادشاه خیم‌پناه حامی بیت‌الله، ماحی کفر و عدوان از کشور عرب و عجم و روم ... سلمه المؤید من عندالله، سلطان سلیم شاه - سلمه الله و ابقاه - داعیه اتمام اجزا و احباب آن کتاب نمود که شاید این هدیه درویشانه و تحفه ضعیفانه این دربار، دست‌آویزی جهت عرض ضعف و ناتوانی و ذریعه عذر تقصیر مایه نجات دلی و جانی این بنده جانی شود.^۲

نخستین برگ این نسخه، دارای شعری با تاریخ تحریر آن است:

هو الفیاض

بر لوح دلم نقش زده کلک خیال از رسم خط و خال نگارم تمثال

۱. دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در آناتولی و بالکان، ج ۶، ص ۷۷۸.

۲. متن نسخه، ص ۲۲۱.

در صحبت اهل شوق و ارباب کمال این مجمعه شد نام به مرآت جمال

رقم بانامل ناظم الکتاب
هداه الله الصواب فی معرفة المبدأ والمآب
فی رجب سنة ۹۲۵

در برگه دوم آن، عنوان «مرآت الجمال، از آن ادریس بدلیسی - رحمه الله -» در داخل شمسهای آمده و در کنار آن و در سمت چپ، نشان دو مهری است که عبارت مهر سوخت ناخوانا است، اما مهر دیگر، دارای عبارت «من تملیکات الفقیر الحاج مصطفى صابری غفر له ۹۷۵» است و در قسمت پایین شمس، مهر وقف عارف حکمت شده می باشد. برگهای ۳، ۱۹، ۵۰، ۷۰، ۸۹ و ۱۱۰ نیز به این مهر ممهور شده است. متن اصلی که از برگ سوم آغاز می گردد، دارای تذهیب و جدول کشی، اما بقیه صفحات تا برگ پایانی، فاقد تذهیب است. آغاز متن چنین است:

صباح العشق اشرق من جمیل. بدأ من وجهه نور الجمال

و انجام آن، رباعی زیر است:

این ره که من آمدم، نشانش این است گفتم به فغانی که بس شیرین است
از هجر و وصال دوست گفتم غم خویش این گفته گر دگر و گهر هم دین است

در ترقیمه این نسخه، ادریس، مطالبی درباره تحریرهای مرآت الجمال و اتحاف و تقدیم آن به سلطان بایزیدخان و سلطان سلیم شاه، عرضه کرده است.

عنوان ها به زرنگار نوشته و با دو خط موازی از متن اصلی جدا شده، و آیات و احادیث هم در بیشتر موارد اعراب گذاری، و برای تمیز از عبارات متن، با شنگرف نوشته شده است. اشعار عربی هم در برخی صفحات، دارای حرکت گذاری است. ادریس بدلیسی برای تبیین و تأکید و تأیید سخن خویش، نه تنها اشعاری از خود،

بلکه از دیگر شاعران نام‌آور فارسی‌زبان؛ مثل فردوسی، نظامی گنجیه‌ای، حافظ شیرازی، سعدی، ... و دیگر شاعران عرب‌زبان، بویژه نهای، متنبی و دیگران با دخل و تصرفاتی در کلمات آن آورده است.

۲. دست‌نویس دیگر ادریس بدلیسی به شماره ۴۲۴۱ در کتابخانه نورعثمانیه در ۱۵۳ برگ ۱۲ سطری محفوظ است.^۱ تاریخ کتابت آن معلوم نیست، اما ظاهراً این دست‌نویس، اولین تحریر بدلیسی، بعد از سال ۹۰۷ ق است که در فاصله بین سال‌های ۹۰۹ تا ۹۱۸ ق کتابت شده و احتمالاً تاریخ تحریر، سال ۹۰۹ ق است که فرزندش ابوالفضل آن را با اختصار داشته و نسخه سپهسالار را از روی آن بازنویسی کرده است. جلد این نسخه میشن قهوه‌ای طبله‌دار و دارای ترنج و سرترنج و لچک مزین و ضربی است. درون آن به رنگ آبی‌لویی، و ترنج و لچک در زمینه لاجورد و دورگیری به زر است. ابعاد اوراق آن ۲۳۰ × ۱۶۰ و ابعاد متن نیز ۷۷ × ۱۴۷ است. این نسخه برای سلطان بایزید بن محمد (حک: ۹۱۱-۸۸۰ ق) کتابت شده است.

در صفحه عنوان، سه مُهر دیده می‌شود، عبارت مُهر اول، آیه ۴۳ از سورة اعراف است: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَمَا كنا لِنَهْدِي لَولا اَنْ هَدانا الله﴾ و در زیر آن، شمشه‌ای است که بخشی از عبارات داخل آن ناخوانا می‌نماید: «تذكرة المسماة مرات الجمال و تبصرة في زجاجة بمجلاه لمشكوة الف ... نورالهدی... السلطان محمد اعز الله نصره بالتأييد».

در قسمت پایین، یادداشت وقف و مهر سلطان عثمان بن محمد بن خان (حک: ۱۱۷۱-۱۱۶۷ ق) آمده است:

هذا وقف ظل الله المحصن والنور اللامع المشخص، السلطان ابن السلطان السلطان ابوالنجيب عثمان خان ابن السلطان مصطفى خان وقفه الله في حل رموز الانام وجعل الطافه ساترة على العباد بالسّلام وانا الداعي لدولته الحاج ابراهيم حنيف المفتش باوقاف الحرمين المحرمين. غفرله.

۱. فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه نورعثمانیه استانبول، صص ۶۰۱-۶۰۲.